

پس از فرمان رهبر کبیر انقلاب امام خمینی مبنی بر لغو قوانین خلاف شرع بر آن شدیم تا با اقداماتی که در این زمینه در دادستانی کل انقلاب صورت گرفته است و همچنین تحلیل دادستانی از حرکت‌های مذبحخانه گروهکها و پیرامون مسائل دیگر با حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب مصاحبه‌ای داشته باشیم و از نظریات ایشان در رابطه با مسائل فوق جویا شویم.

س: آیا پس از سخنان امام در مورخه‌های ۵۸/۳/۲۷ و ۵۸/۵/۲۷ مبنی بر اینکه «تمام قوانینی که غیر از اسلام است، قانون نیست، مورد رضای ما و ملت نیست. و... برخلاف مقررات، خلاف شرع است نباید عمل بکننده آیا اقداماتی در مورد لغو قوانین غیر شرعی صورت گرفت؟

بسم الله الرحمن الرحیم - اقداماتی که در رابطه با لغو قوانین غیر شرعی صورت گرفته است دارای ۲ مرحله می‌باشد. ۱- مرحله اول از زمانیکه که دادگاههای انقلاب اسلامی تشکیل شد مواردی در صلاحیت دادگاههای انقلابی طبق قانون قرار گرفت. (خواه در قوانین شورای انقلاب یا در قوانینی که در مجلس به تصویب رسیده است). وقتی جرائمی در صلاحیت دادگاهها و دادسراهای انقلاب قرار گرفت طبق قانون، دادسرا و دادگاه انقلاب موظف بود که طبق موازین شرعی عمل کند (و قانون خاص از زمان سابق وجود نداشت که دادسراها عمل کنند که احتمال خلاف شرع بودنش باشد) این یک مرحله بسیار مهمی بود که دادگاههای انقلاب تمام نزدیک به سه سال و نیم است که کار خودشان را براساس قوانین اسلامی انجام می‌دهند و هیچ قانون خلاف شرعی را عمل نمی‌کنند. این یک مرحله بسیار کوتاهی است. ۲- مرحله دوم لغو قوانین خلاف شرع از دادگستری است متأسفانه در این مرحله عملی تا این اواخر انجام نشده بود. البته عمل جزئی نشده بود. مقدماتی انجام شده بود شورای عالی قضائی قوانین را تا حدی مطالعه کرده بود و آماده کرده بود و در اختیار مجلس قرار داده بودند. اما برای لغو قوانین خلاف شرع کاری انجام نداده بودند. دستور اخیر امام که باید گفت: خودش اقدام است (نه اینکه امام پیام داد دیگران عمل کنند خیر) همانطور که همه جا امام به داد می‌رسند اینجا هم الحمد... یک انقلاب قضائی عظیمی انجام دادند و دستور دادند تمام قوانین خلاف شرع لغو است و لذا قوانین خلاف شرع از قانونیت افتاد. (از اول هم لغو بود ولی ظاهراً قانونی بودنش را حفظ کرده بود که با دستور امام لغو شد) پس از آن شورای عالی قضائی بخشنامه‌ای صادر کردند که محاکم و



وجود مجرم و آزادی افراد ناصالحانه

اثرات آن را می‌توان در دادگستری مشاهده کرد که در دادگستری قوانین امسال حاکم بود که در خلاف شرعی بودن آن شکی نیست. در رابطه با مسائل خانوادگی، مسائل حقوقی، مسائل جزائی و آیین دادرسی و... اینها مواردی بود که از نظر شرع مقدس اسلام شبهه دارد (پس از پیروزی انقلاب با فرمان امام کسی حق ندارد عمل کند که نمی‌کند) و اثر دیگری هم داشت که شورای عالی قضائی به این مسئله توجه کردند که عده زیادی از قضات دادگستری که شاغل هم بودند باید هرچه زودتر به وضعیت رسیدگی شود که آیا صلاحیت قضات در جمهوری اسلامی از نظر اسلام دارند یا خیر. و تاثیر پیام امام در این جهت آن بود که بعضی از قضات دادگستری بعد از فرمان امام باطن خود را ظاهر کردند و گفتند که ما نمی‌توانیم یا کار نمی‌کنیم روشن شد که اینها اهل عمل به اسلام نیستند و باید کنار بروند. از طرف دیگر بعضی از قضات دادگستری خوشحال شدند و به کار بیشتر چسبیدند (و روشن شد که در دادگستری هم قاضی‌های خوب داریم) و لذا شورای عالی قضائی در بعضی از شهرستانها از قضات شرع محترم، روحانیون و از افراد فاضل دعوت کرد که در دادگستری قضات شوند و آن قضات خوب دادگستری هم با آنها کاملاً همکاری می‌کنند (باید گفت که یک انقلاب قضائی بود که الحمد... به دستور امام انجام

دادگاههای عمومی و صلح و نظامی قضات طبق موازین اسلامی باید عمل کنند هرکس خلاف اسلام ولو طبق قانون عمل کند این شخص باید مجازات شود. پس باید گفت که در رابطه با فرمان امام آنچه را که مهم بود خود امام انجام دادند و آنچه را که شورای عالی قضائی بعد از فرمان امام انجام دادند رساندن پیام امام و انجام دادن دستور امام بود که اثرات بسیار زیادی هم این فرمان داشت یکی از

*** امام الحمد... مثل همیشه با آن کارهای انقلابی که دارند و تعهدی که نسبت به اسلام و جوششی که در رابطه با قوانین اسلام که باید اجرا بشود دستور دادند قوانین خلاف شرع لغو شود.**

گرفت.

س: چرا تا قبل از پیام امام اقدامی صورت نگرفت و اصولا همیشه بایستی منتظر پیام امام در انجام اینگونه امور باشیم؟

ج: یکی از خواسته‌هایی که همیشه قضات شرع دادگاههای انقلاب و دادستانهای انقلاب داشتند این بود که هر چه سریعتر در این مرحله اقدام شود در سمینار اخیر دادستانهای انقلاب و قضات شرع محترم یک طومار بسیار مفصلی نوشتند و امضاء هم کردند (طومار آن الان موجود است و به امضاء کلیه قضات شرع و کلیه دادستانها و دایرهای که در سمینار شرکت کرده بودند رسید) و در آن چند چیز خطاب به امام بود (رونوشتی هم به من (موسوی تبریزی) به شورای عالی قضائی، رئیس

وبه مجلس بدهند و درست هم کردند و به مجلس هم دادند البته قبل از اینکه مجلس تصویب کند. امام الحمد... مثل همیشه با آن کارهای انقلابی که دارند و نهمدی که نسبت به اسلام و جوشی که در رابطه بانوین اسلام دارند که باید اجرا بشود دستور دادند قوانین خلاف شرع لغو شود. البته باید گفت مسائل و درگیریها و اشتغالات خاصی باعث شده بود به این مسئله که باید بیشتر توجه می شد در شورای عالی قضائی کمتر توجه شده بود و باید این مسائل زودتر از این حل می شد که کمی دیر شد.

س: طبق قانون اساسی قوانین غیر شرعی نایست جزو قوانین قضائی باشد چرا قبل از فرمان اخیر امام این قوانین حذف نشده بود؟

ج: بله طبق قانون اساسی قوانین غیر شرعی را شورای نگهبان باید بخواند و حذف کند (غیر شرعی را

چه بوده است.

ج: تاثیر پیام امام این بود که اینها خوشحال شدند و امیدوارتر و قوی کار کردند و تبرععی جاها قضات شرع دادگاههای انقلاب به دادگستری رفتند و به آنجا کمک کردند که در دادگستری هم قوانین اسلامی را اجرا کند.

س: نقش دادگستری در اجرای قوانین جدید چیست؟ و وضع قضات موجود در دادگستری به چه نحو خواهد بود؟

ج: دادگستری همیشه باید مجری قوانین در قضاوت باشد. اعمال عدالت کند یا اعمال قانون. این کار دادگستری است اعم از اینکه دادگاههای انقلاب باشند یا محاکم عامی باشند. در جمهوری اسلامی هم مسطور است. حالا اگر در گذشته کسی تخلف کرده است در آتیه این تخلفها قابل تحمل نیست اما وضع قضات را مجلس مشخص کرده است. قاضی در اسلام باید متدین، مسلمان، دارای فضل تاحد مشخصی و عادل باشد و کسانی که این شرایط را نداشته باشند باید بیرون بروند و تصفیه بشوند و قانون انهم در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است و به شورای عالی قضائی ابلاغ شده شورای عالی قضائی هم شروع کردند که طبق آن صفات قاضی در جمهوری اسلامی که در مجلس تصویب شده قاضی استخدام می کنند و قضات ناصالح را پاکسازی می کنند.

س: برای جلوگیری از تبلیغات سوء دشمنان در اجرا و آموزش قوانین اسلامی در جامعه آیا اقدامی صورت گرفته است؟

ج: باید گفت که واقعا همه مسئولین جمهوری در آن جهت لااقل کوتاهی کردند یکی از چیزهایی که در جمهوری باید باشد آموزش قوانین اسلامی است. مردم بدانند قوانین اسلامی چیست. توجه بشود مامورین دولتی، پاسداران، کمیته ها، دادستانی همه و همه از احکام اسلام اطلاع داشته باشند کسی که به عنوان منم دستگیر می شود و کسی که دستگیر می کند هر دو حکم اسلام را بدانند کسی که محکوم می کند و کسی که محکوم می شود حکم اسلام را بدانند. آگاهی قبلی داشته باشند در این صورت است که خیلی از جرائم در جامعه دیگر به وقوع نمی پیوندد و جرائم و گناهان کمتر می شود. اگر ریزه کاریهای احکام اسلامی گفته شود خیلی از مسائلی که الان اتفاق می افتد از قبیل اینکه حیثیت افراد لطمه می خورد، شخصیتها لطمه می خورد بیهوده، مردم تهمت زده می شوند و احیانا گاهی مثلا بایک گزارش درق، بسید

بودن آن را تشخیص دهد و حذف کند) و این کار را شورای نگهبان نکرده بود.

س: پس کوتاهی از شورای نگهبان است؟

ج: در این جهت بله.

س: اصولا تاثیر پیام امام در دادستانی انقلاب

اگر دادگاههای اسلامی قوی باشند و دستشان باز و محکم به حکم اسلام عمل کنند در این مملکت از نظر حیثیت و ناموس و مال و جان جز افراد محارب هیچ کس احساس ناامنی نمی کند.

مجلس و گویا رئیس جمهور هم دادند) و چند درخواست کرده بودند: ۱- لغو سریع قوانین غیر شرعی در دادگستری ۲- جایگزین کردن قوانین اسلامی به جای قوانین غیر شرعی ۳- تصفیه و پاکسازی قضات ناصالح از دادگستری ۴- جایگزین کردن قضات صالح (و حکام شرع) به جای آنها. الحمد... این خواسته قضات و تمام دادستانهای انقلاب که در سمینار مطرح شده بود جامعه عمل پوشید و شورای عالی قضائی واقعتش این است که جرات نکرد که این قوانین را لغو کند (وقانونا هم نمی تواند بگوید) آنها باید لوایح قانونی را جمع آوری کنند و به هیئت دولت بدهند و دولت هم به مجلس بدهد و مجلس باید تصویب کند که قوانین گذشته لغو است و شورای نگهبان هم قوانین را مطالعه کند و اعلام کند این قوانین غیر شرعی لغو است متاسفانه شورای نگهبان مطالعه نکرده بود (با کارهایشان زیاد بوده یا وقتش را نداشتند اطلاع ندارم).

و شورای عالی قضائی هم به خود جرات ندادند کاری که از نظر قانونی نباید و نمی توانند انجام بدهند بکنند شورای عالی قضائی متوجه بود که قوانین خلاف شرع زیاد انجام می شود ولی قانونا نمی گفتند مانمی توانیم این قانون را لغو کنیم یا شورای نگهبان باید لغو کند یا لوایح را به مجلس بدهیم و آنها لغو کنند و دنبال این مسئله رفتند که لوایحی را درست کنند

بجرم موجب تشویق تو حرام است

جهاد

شخصی دستگیر و بعد آزاد می شود.
 البته گاهی پیدایمی شود این چیزها خواه
 در دادگستری، خواه در دادگاه انقلاب، یا در کمیته یا
 در سپاه) اگر احکام اسلامی خوب گفته شود
 و توضیح داده شود این مشکلات پیش نمی آید. و این
 کاری است که از رادیو تلویزیون، روزنامه ها،
 رسانه های گروهی کلا گرفته تا مسئولین قضائی
 باید برنامه هائی بگذارند (در رادیو - تلویزیون)
 و این کار را انجام بدهند. البته برنامه هائی در رادیو -
 تلویزیون هست ولی بنظر من کم است. و در این جهت
 بیشتر باید کار بشود و کاری که شده است خیلی کم
 است.

س: نقش دادگاهها در مبارزه با تروریسم
 چیست؟ و در این زمینه چه کارهائی صورت
 گرفته است؟

نقش دادگاهها در برابر تروریسم خیلی روشن
 است دادگاهها همواره بعد از پیروزی انقلاب یکی
 از ارکان مبارزه با تروریسم بودند که سنگینی زیادی
 در برابر ضدانقلاب داخلی منافقین، ساواکها،
 تروریستها (از هرقیل اقتصادی، محتسبرین،
 رباخواران، گرانفروشان، توزیع کنندگان مواد مخدر
 همه اینها که هر کدام به تنهائی اگر آزاد باشند می
 توانند مملکتی را فلج کنند. برعهده داشتند. الحمدا...
 دادگاهها مقاومت کردند چه گروهائی که در ایران
 بعد از انقلاب برای تروریسم تشکیل شد باید بگویم
 آنچنان قوی بودند که تاریخ اجتماع کشورها و جامعه
 ما یک همچون تروریستی را کمتر نشان داده که
 در برابر یک دولت (با این وسعت) بایستد و به علت
 آنکه از فعالتهای مذموبخانه اینها جلوگیری شد
 و آزادی بیش از حد و نامشروع به آنها داده شد اینها



مسئولین جمهوری اسلامی کشیدند و به عهده
 جمهوری گذاشتند از این طریق بچه ها را فریب
 دادند. در حالیکه خودشان بعدا با آنها رفیق شدند هم
 بیعتن و هم عمل شدند آنچه مسلم است این همه
 امکانات و وسائل در اختیار آنها قرار گرفت و تاریخ
 نشان داده است که این امکانات و وسائل را هیچ
 دولتی در اختیار یک گروه سیاسی قرار نمی دهد.
 بلکه اینها (منافقین و بطور کلی گروهکها) رشد
 کردند و بکعبه زیادی از بچه های ما را فریب دادند
 و خلاف امر بودنش هم از این جهت بود که باعث شد

*** یک منافق را در یک خانه تبیی کشف کردن خیلی زحمت
 دارد. مردم بیایند کشف کنند بعد داسراها رها کنند، مردم هم
 همکاری نمی کنند. مملکت بر باد میرود.**

اینها گول بخورند، فریب بخورند، دروغهای اینها
 جابجند. تهمتشان جابجند و بالاخره توانستند یک
 طیف وسیعی از بچه ها را به دور خود جمع کنند. اما
 بازم به این مقدار کفایت نکردند جنگ مسلحانه را
 شروع کردند در حالیکه کشور ما مواجه با جنگ بود.
 صدها کیلومتر از خاک ماموره تجاوز قرار گرفته
 بود. صدها کیلومتر از مرزهای ما براتش بود. صدها
 کیلومتر از مرزهای ما براتش جنگ بود صدها ده، دهها
 شهر در اختیار دشمن بود. در حالیکه مردم به جبهه ها
 بسیج می شدند. امکانات مادی، نیروهای انسانی
 همه به سوی جبهه متوجه بودند. این خائنین از پشت
 خواستند خنجر بزنند و به این ترتیب با دشمن

از تمام امکانات دولت استفاده کردند ماشینهای تانک
 و زبراکس، فنوکی، ای بی ام و کاغذ خوردکن...
 از سازمانهای دولتی نزدینند و بردند. ماشینهای
 سواری، ماشین ضد گلوله نزدینند و بردند تمام
 امکانات اطلاعاتی را نزدینند و بردند، اسلحه
 و مهمات (که قابل شمارش نیست) اینها را حالی
 کردند در حالیکه مردم در مقابل دشمنان اسلام
 و انقلاب کشته و شهید می دادند اینها به فکر جمع
 آوری اسلحه بودند و بعد مخفی کردند. و از همه مهمتر
 دو سال در مدارس لااقل با آزادی کامل توطئه کردند.
 به مسئولین مملکتی توهین کردند. در مرحله اول
 (زمان دولت موقت) اشتباهاتی که بود به رخ

تجاوزگر صهیونیستی بعضی همکاری کنند با اعلام
 جنگ مسلحانه توخیابانها ریختند، امپولاسهائی که
 باید زخمیهائی جبهه را انتقال بدهند به آتش کشیدند.
 اتوبوسهای واحد که باید مردم مستضعف و بچه
 ها و کارگرها را نقل مکان بدهند آتش زدند آنچه
 از دستشان برآمد ضرر اقتصادی، مادی، جانی به
 دولت ضعیف، تازه به پا خاسته و در حال جنگ به تمام
 عیار زدند و من فکر نمیکنم تاریخ انسانها و جوامع
 و دولتها داشته باشد که به دولت تازه نوپا و مشغول
 به جنگ با این وسعت با تروریسم مقابله کند انهم این
 تروریسم که یکدفعه با هزاران جوان نادان و مغرض
 یا وابسته که بعضی تا حد انتهار هم پیش می روند
 (خودکشی می کنند تا ضربه بزنند). باید تحلیل کرد
 که این مبارزه کردن چقدر سخت است ولی الحمدا...
 حزب ا... (مردم) از نظر اطلاعات، مالی نقش بسیار
 مهمی داشتند. همکاری برادران کمیته ها سپاه
 پاسداران هم در دستگیری، هم ایجاد امنیت و تعقیب
 و مراقبت و... دلگرم کننده همه اینها بود که
 در دادگاههای انقلاب با قاطعیت و بایک عزم و جزم
 اسلامی صحیح برخورد می شد. اگر سپاه یا کمیته

احساس کنند که دادگاه اعمال قدرت از نظر اجرایی
 احکام اسلام نمی کند سرد می شود. یک منافق را در
 یک خانه تبیی کشف کردن خیلی زحمت دارد. آنها
 بیایند کشف کنند بعد داسراها رها کند مثلا مردم هم
 همکاری نمی کنند. مملکت بر باد می رود. این
 داسراها و دادگاههای انقلاب بودند که به مردم
 روحیه می دادند به پاسداران و کمیته ها روحیه می
 دادند تا ریشه منافقین را بکنند. مسئله دیگر کاری
 است که داسراهای انقلاب در رابطه با اطلاعات و
 تحقیقات و مراقبت اینها انجام می دادند مثلا از یک
 متهم صدها مجرم به دست می آوردند، از یک خانه
 تبیی دهها خانه تبیی کشف می کردند و کار
 اطلاعاتی روی آنها کردند خیلی از آنها (منافقین)
 همکاری کردند و با مامورین داسرا سرقرار رفتند.
 از خانه های تبیی افراد را بیرون کشیدند و دستگیر
 کردند و خود متهمین آمدند با زحمتی کردند و افراد
 دیگر را دوباره کشف کردند. این کاری بود که واقعا
 در دنیا امروز نظیرش یا نیست یا اگر هست به ندرت
 یک گروه تروریستی به این ترتیب وقتیکه باز پرس
 داسرای انقلاب با او برخورد میکنند. برخورد او
 بگونه ای است که در همان ساعات اول و روزهای
 اول به قول معروف می شکنند، می برند و به
 اصطلاح خودشان تمام وسائل و امکانات را لو
 می دهند، افراد مستولش را لو می دهند، اطلاعات را
 در اختیار می گذارند و در بازجوییها خیلی کمک
 می کنند. بهر حال نقش دادگاهها در برابر اینها بسیار
 روشن است. و باید گفت اگر دادگاههای انقلاب
 نبودند، مردم در رابطه با گروهکهای تروریست خواه
 قبل و خواه بعد از ۳۵ خرداد مشکلات زیادی داشتند.

س: تحلیل شما از حرکت گروهکها
 چیست؟ و بطور کلی وضع گروهکها را در



ج: تحلیل ما در رابطه با گروهکها این است که وقتی آمریکا مواجه شد قدرت بزرگی را در خاور میانه و منطقه که برای او یک زاندارم خوبی بوده از دست داده است و توازن قوا بین ابرقدرتها از بین رفته علاوه بر آن انقلابی که نه تنها شاه را برداشت بلکه دارد اوج می گیرد. و قدرت دیگری که آمریکا در منطقه (یعنی اسرائیل یا مصر، یا دیگر کشورهای مرتجع وابسته) ایجاد کرده بود تضعیف و تحلیل می روند ناچار بود اقداماتی را انجام دهد. یا انقلاب اسلامی را در نظفه به اصطلاح خفه کند و یا لاقفل در درون مشغول کند تا از حضور انقلاب جلوگیری کند. لذا مجبور بود از طرق مختلف به این عمل دست بزند. در وهله اول با حالت و کیفیتی که دولت موقت داشت با فعالیت جاسوسان خود در ایران می توانست خط بدهد. مانند اینکه خط ایجاد کند دادگاه انقلاب جمع شود، سپاه تضعیف شود، کمیته ها... تضعیف بشوند. افراد متعهد و مسئول از کار برکنار و نظاره گر باشند وعده ای سرکار باشند که با آمریکا سازش کنند و منافع او را تامین کنند که به این ترتیب منافع آمریکا در ایران باقی بماند که با حمله برادران دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به سفارت و دستگیری جاسوسان آمریکایی دولانه جاسوسی این مطلب بر ملا شد. آمریکا دید که از این طریق نمی تواند عمل کند تصمیم گرفت درگیری در ایران و مسئله تجزیه (که روی آن خیلی حساب می کرد) را ایجاد کند. مسئله کردستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان (که بگویند عربستان)، خلق عرب، خلق کرد و در آذربایجان حزب خلق مسلمان... خلاصه هر گروهی را در هر یک یادداشتی در یک طرف قضیه قرار بدهند و با تضعیف دولت مرکزی کم کم خود حاکم شود (خط این بود) جریان خوزستان (خلق عرب) و در سیستان و بلوچستان اینها سرپوش بود که برادران با هوشیاری مسئله را از بین بردند، توطئه را خنثی کردند. در کردستان به جایی نتوانستند برسند. در آذربایجان شرقی شدیداً سرکوب شد از این طریق آمریکا دید نمی تواند کار از پیش ببرد. پس دید لاقفل دولت را باید مشغول کند و از داخل تضعیف کند. دست دولت را در رابطه با مسئله اقتصادی ببندد و در درون ایجاد ناامنی و آشوب کند برای این مسئله بهترین راه همان افراد و مزدوران داخلی بودند. در رابطه با تضعیف اقتصادی عوامل بنی صدر در بانک مرکزی، وزارت بازرگانی، و وزارت دارایی و اقتصاد و در جاهای دیگر خیلی کارها می توانستند بکنند. خود آمریکا هم محاصره اقتصادی کرد. در رابطه با ارز، ایجاد ناامنی و آشوب از این مزدورهای منافق استفاده کرد. (من که می گویم مزدور، سرانشان را می گویم که متاسفانه بچه های کم سالی را فریب دادند و به آن حالت در زندگی انداختند) این تحلیل برای آمریکا خیلی به جا بود که

می گشتند به مسعود رجوی رای نمی دادند مسلم است آمریکا باید دؤخیمی بدتر از نصیری، بدتر از ساواک، بدتر از قدرت پلید شاه را بیاورد و با کشت و کشتار کامل، با کشتن دهها هزار نفر، بلکه صدها هزار نفر در ایران مسلط بشود. این کار را می کرد. الا اینکه دیدخیز، مردم بایرجاهستند طرفدار دولت هستند. ارگانهای دولتی همه قوی هستند. نهادهای انقلابی قویا ایستادگی کردند و ریشه تروریسم را کردند. نگونیم الان باز هم هستند و چهارتا ترور می کنند خیر آن ریشه قوی تروریسم که امید آمریکا شده بود از بین رفته و آمریکا دیگر به آنها امید نیست است. اگر چه برای تخریب گاهی کارهایی به دستور آمریکا می کنند یک بعضی می گذارند تا صدای آمریکا خوشحال شود و تبلیغ کند بله در ایران این اتفاق افتاده است ولی دیگر آن حالتی که آنها بتوانند حکومت را ساقط کنند و حکومت را عوض کنند خودشان هم مایوسند (امریکا مایوس است) خداوند اینها را مایوس کرده است. بالاخره تحلیل ما این است که دقیقاً تمام گروههای ضد جمهوری اسلامی در خط آمریکا قدم بر می دارند. اگر بعد از آنکه دستگیر بشود کمی توجه پیدا کنند چنانکه بزرگانشان، سرانشان وقتی دستگیر شدند به این مسئله اعتراف کرده اند که این خط ولو ناگاهانه خطی است که در مسیر منافع آمریکا پیش می رود و در پشت سر شیطان بزرگ است. و لذا ما تمام جنایاتی که دست آنها می شود. بزرگانی را که از دست می دهیم باز در ردیف جنایات آمریکا به حساب می آوریم.

من فکر نمی کنم تاریخ انسانها و جوامع و دولتها داشته باشد که به دولت تازه و نو پا و مشغول به جنگ با این وسعت با تروریسم مقابله کند.

س: نقش دادگاه در جامعه اسلامی و تاثیر آن در جامعه و نقشی که جامعه اسلامی می تواند ایفا کند چیست؟

ج: نقش دادگاه در جامعه اسلامی خیلی مهم است. ایجاد امنیت واقعی از نظر حیثیت افراد، مال، جان و نوامیس افراد در پناه دادگاه اسلامی است اگر دادگاههای اسلامی قوی باشند و دستشان باز و محکم به حکم اسلام عمل کنند در این مملکت از نظر حیثیت و ناموس و مال و جان جز افراد محارب هیچ کس احساس ناامنی نمی کند. و افراد صالحی که می خواهند کار اقتصادی کنند نگرانی ندارند که یک نفری حساب بیاید اموال و سرمایه و کار او را از بین ببرد چون دادگاه است. و جلوگیری می کند و می گیرد و می دهد. وزارت کشور، شهربانی، سپاه، کمیته ها با وجود دادگاه قوی دلگرمند و این کار را قوی انجام میدهند چون می دانند اگر کسی خلاف امنیت کار انجام بدهد دادگاهها او را مجازات میکنند. اگر وقت بخواند سرمایه گذاری کند، کارخانه تشکیل بدهد. کسانی که بخوانند در این

در کشوری که درگیر جنگ است با این حالت تروریستی مواجه باشد (مسئولینش کشته شوند) خودشان هم با اسلحه اقتصادی (از نظر اقتصادی هم وضعشان خراب می شود) با این شرایط دولت زود سقوط خواهد کرد. این یک تحلیل صرفاً مادی بود. اگر ما هم با شرایط مادی باشیم می گفتیم بله. ولی اینها یک حائلهای اقتصادی و ایمانی است که آمریکا به آن توجه ندارد. در حسابهای آمریکا می گنجد که به آن توجه کند و لذا آمریکا این آشوب را به پا کرد تا دوباره هر چه زودتر در منطقه مسلط بشود، کسی را ولو به ظاهر انقلابی ولو به ظاهر دارای سابقه انقلابی در سرکار بگذارد. تا منافع آمریکا را در اینجا تامین کند و این یک چیز مسلم است و البته من معتقدم که آمریکا حتی این کارها را بدست این بچه های نادان و مغرض یا مزدور انجام می دادند اینکه خودشان را سرکار بیاورد. من معتقدم اینها را سر کار نمی آورد. وقتی که دولت اسلامی ساقط می شد. وقتی که مردم از جمهوری بر

در بسیاری از موارد مقروض هم هستند از یاد نبریم که در رژیم طاغوت سیستم ادارات را چنان ساخته بودند که مهمترین فکر و ذکر دست اندرکاران مشاغل دولتی و غیردولتی، گروه و پایه و اضافه کار و سود و سرمایه و اسباب خانه و غیره بود و امروز عزیزانی را نظاره گریم که شبانه روز تلاش می کنند و در آخر برج قدری از حقوق خود را به خزانه دولت پس می دهند و اظهار می دارند که ما به اندازه این حقوق کار نکرده ایم!

درفهنگ جهادی کار کردن خدای بزرگ رزاق کریم است و آنکه کار جهادی می کند در به دست آوردن مؤونه خود توکل به او دارد نه به گروه و پایه و رسمی شدن و....!

گرچه این فکر مانع از آن نیست که مسئولین به فکر زندگی متعارفی برای کارگزاران حزب الهی که زندگی خود را صرف انقلاب کرده اند نباشند، اما مهم اینست که انگیزه کار کردن در جمهوری اسلامی ایران حقوق و مزایای مادی نباشد و این فرهنگ باید تعمیم و توسعه یابد.

درفهنگ جهادی کار کردن چون کار عبادت است از کار برزحمت و پرمشقت استقبال می شود، برخلاف معمول که این نوع کارچندان مشتری ندارد. در این فرهنگ هنوز شرح حال شهیدان عزیز که به علت کار زیاد هفته ها فرزندان خود را نمی دیدند و شب را در محل کار بیهوشه می کردند دریادها زنده است. درکار جهادی به جای منت گذاشتن و فخر فروشی به ارباب رجوع، کارگزار به استقبال و مشایعت او می رود و نه تنها مردم برای انجام کارشان التماس و تملق شخص مسئول را نمی کنند بلکه با جرئت حتی خود را مطالبه می کنند و کارگزار خود را خادم آنها می داند نه آقای آنها! و اصولا خود او وکیل مدافع حقوق مردم است و درحضور و غیاب آنها از حقوقشان دفاع می کند.

در این فرهنگ لازم نیست کار به دنبال شخص بیاید، بلکه شخص به دنبال کار می رود و می رود تا کار انجام شده، مردم فراموش شده، و اقشار مظلوم و مستضعف را دریابد. درنتیجه مردمی که باکارگزاران جهادی سروکار دارند مطمئن اند که کارشان با سرعت، باکیفیت و بدون منت و رشوه و ریا انجام می شود. در این فرهنگ معطل کردن و امروز و فردا کردن مراجعین گناه کبیره تلقی می شود و عامل چنین گناهی در برابر مردم ضامن است. آنها که جهادی کار می کنند در مواجهه با بیت المال از اسراف و تبذیر پرگامی از بین المال احتراز می کنند تاچه رسد به ریخت و پاش های آنچنانی که اموال مردم مستضعف را به یغما ببرند!

و این فرهنگ امروز درقشری از دست اندرکاران رایج گشته و ریشه درمبانی فکری انقلاب اسلامی ایران دارد و شرط ریشه کن کردن کامل فساد اداری مانده از رژیم طاغوت رواج این

کارخانه ها، در این سرمایه گذاریها و پیشرفت و تولید اخلال گری بکنند اگر دادگاه خوبی باشد دولت پشتش گرم است این کار را انجام می دهد. و کسی که متخلف است به دست دادگاه می سپارد.

درکوچه و بازار و خیابان و مدارس مردم، بچه ها، دخترها و پسرها... می روند و می آیند اگر دادگاه قوی باشد درتمام موارد مردم احساس امنیت می کنند. درتمام موارد درابعاد امنیت اقتصادی، سیاسی، قضائی دادگاهها قویا مفید می باشند اگر دادگاهها نباشند هیچکدام از اینها نخواهد بود. اما در رابطه با ارشاد، هر مجرمی که درجامعه علنی جرمش را انجام بدهد مجازات می شود. وجود مجرم و آزادی مجرم، رهایی مجرم موجب تشویق افراد ناصالح است و حرام است و کم کم دیگران می گویند هرکاری بکنیم می توانیم خود جلوگیری از مجرم و مجازات او به دیگران تنبه می دهد که جرم نکنند که آنها هم مثل او مجازات شوند. مجازات اگر برای مجازات شوند کيفر است برای دیگران ارشادی است. ولذا قرآن می گوید: وقتی که زن و مرد زناکار را شلاق می زنند بگو یک عده از مردم مجازات و کيفر او را ببینند یعنی اگر یک نفر شلاق می خورد و کيفر می شود صد نفر می ببینند که آن یک نفر شلاق می خورد، دیگر به فکر جرم نمی افتند، ارشاد می شوند. بالاخره نقش دادگاهها درارشاد جامعه و اصلاح جامعه و امنیت قضائی و امنیت اقتصادی و سیاسی بسیار

فرهنگ در همه ابعاد آن است و نهادهای انقلابی بهترین الگو برای تحقق این مهم به شمار می روند. در این رابطه اعضای نهادهای انقلاب اسلامی که با تلاش و ایثار خود این فرهنگ را قوام بخشیده اند نیز وظیفه خطیری در حفظ و بقاء آن دارند. مهمترین آفت برای این فرهنگ آنست که اعضای این نهادها رعایت مشخصات یادشده را در رفتار خویش فراموش کنند که خدای ناکرده بوسیدگی درونی در این فرهنگ حاصل خواهد شد. وقتی می توان به تداوم و بقاء این فرهنگ امیدداشت که احاد کارگزاران، تعبد را به جای طغیان و قناعت را به جای حرص و جهاد و تلاش را به جای رخوت و تواضع را به جای تکبر در نفوس خویش جادهند و همواره براین مهم مواظبت کنند.

و سخن آخر باجهادگران پرتلاش و اعضای جهادسازندگی که، تاکنون درجهبه، کوهها و دشتها و مناطق محروم، از جمله پدید آورندگان فرهنگ جهادی کار کردن بوده اند، هرگاه خدای ناکرده در زندگی شخصی به رفاه و راوریم یا در اخلاق اجتماعی تواضع و خدمتگزاری را از یاد ببریم و یا در ارتباط با خدا نمودنیاه به تسلیان مبتلا شویم آغاز بوسیدگی درونی ماست. حفظ و حراست این فرهنگ برعهده فرد فرماست که با اخلاق و رفتار خد دان را از آفات مصون نگهداریم. والسلام

مهم است که البته درقانون هم این نقشهای مهم به عهده شورای عالی قضائی و قوه قضائی گذاشته شده است. که الحمدا... پیاده می شود. اما اینکه جامعه چه تاثیری دردادگاهها می تواند داشته باشد. خیلی تاثیر در جامعه می تواند داشته باشد. کمک دادگاه از نظر اطلاعاتی باشد. از نظر اینکه مردم را ارشاد کند دردادگاهها آنچه واقعیت است بگویند و اعلام کنند و بازوی دادگاهها باشند و آنچه دادگاههای انقلاب براساس احکام شرع داده اند با کمال میل بپذیرند تا درجامعه اصلاح صورت پذیرد و این مقدار جامعه در دادگاه می تواند اثر بگذارد.

س: لطفا جهت آشنائی بیشتر مردم درباره وظایف داستانی کل انقلاب توضیحاتی بدهید؟

ج: وظایف داستانی خیلی روشن است وظیفه داستانی این است که کسانی که تعظم می کنند، اظهار شکایت از کسی یا گروهی می کنند دنبال کند. ضارب، متجاوز و گناهکار را بگیرد. بازجوئی کند. پرونده تشکیل بدهد و به دادگاه بفرستد و دادگاه هم طبق قانون مجازات کند. در رابطه با عموم داستان اگر حقوق عمومی درمرحله ضایع باشد داستان موظف است آن کسی که مثلا درجامعه به بیت المال مردم، به حق مردم، به جان مردم، به امنیت مردم لطمه می زند جلوگیری کند. تعقیب کند، جرم را کشف و مجرم را پیدا کند و پرونده را تکمیل کند و حکم به دست دادگاه و داستانی حکم اجرا شود. البته همه اینکارها باید طبق قانون انجام بگیرد طبق صلاحیتها انجام بگیرد و مردم هم توقع نداشته باشند بیش از آنچه که قانون به آنها اجازه داده عمل کنند.

س: در آخر اگر مطلبی دارید بیان کنید.

ج: از مسائل عمومی چیزی ندارم بگویم جز آنکه تاکید کم مردم اگر واقعا در برابر احکام اسلام مطیع باشند بدانند که به نفع همه است اگر دیگری جرم کند خیلی ها هستند که دلشان می خواهد مجرم مجازات شود ولی خودش اگر جرم کرد گناه کرد حاضر نیست تن به مجازات بدهد این حالت درجامعه اسلامی نباید باشد قرآن می گوید: «کونوا مین بالقسطه ماعدالت را برای همه قرار دادیم اگر خودشان مجرمند بخواهند مجازات بشوند تا درجامعه عدالت برقرار شود و این عدالت به نفع جامعه و به نفع من است. ولو فعلا من مجرم هستم، من شلاق می خورم ولو من زندان می شوم، ولی به نفع من است که مجازات شوم و لذا مردم توقع نداشته باشند از دادگاههای انقلاب که دادگاههای انقلاب در رابطه با افرادی که ادعا می کنند مسلمان هستند، حزب الهی هستند، درجرمشان اغماض شود. خیر برادران حزب الهی باید با قاطعیت احکام اسلامی در مورد آنها اجرا و پیاده شود. احکام اسلام را بپذیرند و یکی از قوانین اسلام (که مجازات اسلام) باشد بپذیریم و خوشحال باشیم که در دنیا مجازات می شویم. والسلام